

## سیره علوی در جنگ در آینه نهج البلاغه و شعر عبدالمسیح الانطاکی

نعمت اله حسنی\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۱۱

### چکیده

شخصیت /امام علی(ع) آنچنان رفیع است که وصف آن از دایره مذهب تشیع فراتر رفته و علمای بزرگی از سایر مکاتب و ادیان را به إعجاب و تعظیم وا داشته است. از جمله آن‌ها، عبدالمسیح انطاکی، ادیب و شاعر مسیحی معاصر با منظومه‌ای در پنج هزار و ششصد بیت است. این پژوهش با کنکاش در نهج البلاغه و اشعار عبدالمسیح انطاکی، سیره و رأی آن امام همام و دیدگاه این ادیب مسیحی را در برخی ابعاد و مصادیق مهم جنگ و جهاد از جمله شجاعت، جنگاوری، تدبیر، هوشیاری، صلح حکیمانه و رعایت اصول الهی و اخلاقی در جنگ، مورد بررسی قرار داده و آشکار می‌سازد. بر اساس قرآن، از آنجا که سبیل الله مسیر رشد آدمی است، جهاد فی سبیل الله نیز قرار گرفتن و قراردادن انسان‌ها در مسیر کمال و رشد است. بر خلاف سایر جنگ‌ها که غالباً با قصد منافع مادی افراد یا گروه‌های خاص است در سبک علوی یا اسلام حقیقی، نیت و هدف غایی در جنگ، تنها خشنودی پروردگار می‌باشد.

**کلیدواژگان:** امام علی(ع)، نهج البلاغه، عبدالمسیح انطاکی، ملحمة الامام علی(ع)، جنگ.

## مقدمه

پرداختن به فضایل *علی بن ابی طالب (ع)* که علاوه بر ظاهر، دارای باطن و اعماقی است قدرت بالایی از عقل و معرفت، علم و قلم را می‌طلبد تا جایی که قهرمانان این عرصه‌ها به زانو درآمده و اظهار عجز می‌نمایند. اما گاهی علمایی وارسته، از باب اینکه "آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید"، در کرانه‌های دریای فضایل آن حضرت، با تحیر، خروش موجی از امواج آن را به توصیف نشستند. عشق و ارادت به آن حضرت، علاوه بر آثار علمایی از اهل تسنن مانند *ابن ابی الحدید* و محمد عبده (که هر دو از شارحان نهج البلاغه نیز می‌باشند) در آثار دانشمندان غیر مسلمان نیز به وفور مشاهده می‌گردد. علما و ادبای مسیحی، مانند *جرج جرداق*، *فؤاد جرداق*، *جبران خلیل جبران*، *میخائیل نعیمه*، *ژوزف هاشم بولس سلامه* و علمایی از سایر مکاتب الهی و مادی از جمله این افراد در دوران معاصر به شما می‌روند. *شلی شمیلا* از پیشتازان مکتب مادیگری درباره شخصیت *علی بن ابی طالب* می‌گوید: «پیشوا، *علی بن ابی طالب* بزرگ بزرگان، یگانه نسخه‌ای است که نه شرق و نه غرب، نه در گذشته و نه در امروز، صورتی مطابق این نسخه ندیده است» (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۴ و ۲۵).

در پژوهش حاضر، به شیوه توصیفی-تحلیلی با کنکاش در نهج البلاغه و کتاب «*ملحمة الامام علی (ع)*» و ترجمه اشعار این کتاب از عربی به فارسی سعی شده که سیره و برخی فضایل امام اول شیعیان در مراحل و زوایای جنگ مورد بررسی قرار گیرد. بی‌شک، فضایل، نظرات و رهنمودهای آن امام همام در مقوله جنگ و جهاد، از جمله در کتاب نهج البلاغه، گسترده و دارای ابعادی متعدد و ژرف بوده و پرداختن به آن‌ها پژوهش‌های تخصصی عمیقی را می‌طلبد که البته در این زمینه، علامه محمدتقی جعفری در تفسیر بیست و هفت جلدی خود از نیمی از نهج البلاغه، تا امروز اقدامی بی‌نظیر انجام داده‌اند.

## پیشینه تحقیق

«*ملحمة الامام علی (ع)* أو *القصيدة العلوية المباركة*»، اثر *عبدالمسیح انطاکی*، کتاب ارزشمندی است که به توفیقات ربوبی، منبع و محور اصلی پایان نامه کارشناسی ارشد

نگارنده، با عنوان «سیمای امام علی(ع) در شعر حماسی عبدالملک انطاکی» بوده که در تابستان ۱۳۸۹ با راهنمایی استاد مرحوم دکتر فیروز حریرچی دفاع شد. در بررسی پیشینه این پژوهش اثری که به پژوهشی تطبیقی از این کتاب و نهج البلاغه پرداخته باشد ملاحظه نشد. اما «حماسة عید الغدیر» اثر بولس سلامه مسیحی در موضوع غدیرشناسی اثر فاخری است که حسین مرعشی در کتاب خود با عنوان «حماسه عید غدیر» به آن پرداخته است. همچنین پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی غدیریه بولس سلامه و عبدالملک انطاکی» به قلم سیدمحمدرضا مصطفوی نیا و همکاران انجام گرفته که البته به بررسی واقعه غدیر در اشعار این دو شاعر و مقایسه آن‌ها پرداخته است.

### نگاهی اجمالی به کتاب ملحمه الامام علی(ع) أو قصيدة العلوية المباركة

عبدالملک انطاکی الحلبی، شاعر، روزنامه نگار و ادیب مسیحی است. او در انطاکیه از پدر و مادری مسیحی متولد شده و در حلب پرورش یافت. «ملحمه الامام علی(ع) أو قصيدة العلوية المباركة»، منظومه‌ای حماسی دینی با ۵۵۹۵ بیت شعر وزین در قالب قصیده است و علی رغم طولانی بودن این قصیده، شاعر از ابتدا تا انتهای آن را با یک وزن و قافیه بیان می‌کند. او سرودن این قصیده را در اوایل فوریه ۱۹۱۷م آغاز کرده و در سی سپتامبر ۱۹۱۸م به پایان می‌برد و در کل، سرودن و شرح و تهذیب و تعلیق آن حدود ۲ سال به طول انجامیده و در آوریل ۱۹۲۰م در قاهره در معرض چاپ قرار گرفت. طبق نظر شاعر در مقدمه کتاب، این قصیده، علی الاطلاق، طولانی‌ترین و از برترین قصاید موجود در اشعار عربی است. همچنین طبق نظر ناشر بیروتی کتاب، حسین الاعلمی، این کتاب، علی الاطلاق، اولین حماسه عربی است که به صورت هائیه به نظم درآمده است (انطاکی، ۱۹۹۱م: ۶).

این قصیده بلند حماسی در واقع روایت منظومی از تاریخ صدر اسلام و فضائل علی(ع) می‌باشد و عبدالملک انطاکی برای این منظور، کتاب‌ها و منابع مختلف تاریخی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. شعر روان، موسیقی دلکش و واژه‌هایی بی تکلف با مفاهیم ارزشی از ویژگی‌های شعری او در این کتاب ارزشمند است. وی پس از این مقدمه و به نظم درآوردن وقایع مهم دیگر، قصاید زیبایی را در مورد عتبات حیدری و

زیارت / امام علی (ع) و استعانت از آن حضرت می‌سراید. پس از آن مطالب منظومی را در مورد جزیره العرب و امت عرب و شعر و اخلاق و تاریخ ادیان آن‌ها بیان می‌کند. به طور کلی وقایعی که عبدالمسیح / انطاکی از صدر اسلام و مسائل مربوط به امام علی (ع) در این حماسه منظوم آورده را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود: دوره اول مربوط به زمان پیامبر، دوره دوم از رحلت پیامبر تا خلافت حضرت علی (ع) و دوره سوم از خلافت امام علی (ع) تا شهادت آن حضرت را در بر می‌گیرد. انطاکی قسمت زیادی از این کتاب خود را به بیان مناقب و فضائل امام علی (ع) اختصاص داده است. به عنوان نمونه، در اشعاری نیکو پس از اینکه بالاترین جایگاه را پس از پیامبر اکرم (ص)، مربوط به امام علی (ع) می‌داند، به این مسأله مهم تأکید می‌نماید که منزلت والای امام علی (ع) فقط در بین مسلمانان مطرح نمی‌باشد بلکه غیر مسلمین و حتی فلاسفه جحود، نسبت به مقام و جایگاه والای الهی آن حضرت در حیرت بوده و اندیشمندان نصرانی و مسیحی نیز در زمره ارادتمندان و عشاق بی شمار ایشان می‌باشند:

لِلْمُرْتَضَى رُتْبَةً بَعْدَ الرَّسُولِ لَدَى	أَهْلِ الْيَقِينِ تَنَاهَتْ فِي تَعَالِيهَا
ذُو الْعِلْمِ يَعْرِفُهَا ذُو الْعَدْلِ يَنْصِفُهَا	ذُو الْجَهْلِ يَسْرِفُهَا ذُو الْكُفْرِ يَكْمِيهَا
وَإِنَّ فِي ذَاكَ إِجْمَاعاً بَغَيْرِ خِلَا	فِي الْمَذَاهِبِ مَعَ شَتَّى مَنَاحِيهَا
وَإِنْ أَقْرَبَ بِهَا الْإِسْلَامُ لَا عَجَبَ	فَأَنَّهُ مِنْذُ بَدَأِ الْوَحْيِ دَارِيهَا
لَكِنَّ مَا قَصُرَتْ قَصْرًا تَجَلِّيَهَا	عَلَى بَنِي الدِّينِ مَعَ زَاهِي تَجَلِّيَهَا
بَلْ جَاوَزَتْهُمْ إِلَى الْأَعْيَارِ فَأَنْصَرَفَتْ	نُفُوسُهُمْ نَحْوَهَا بِالْحَمْدِ تُطْرِيهَا
وَذِي فَلَاسِفَةَ الْجُحَادِ مُعْجَبَةً	بِهَا وَقَدْ أَكْبَرَتْ عُجْباً تُسَامِيهَا
فَارْجِعْ لِقِسْطَانِهَا بَيْنَ الْكِنَائِسِ مَعَ	رُهْبَانِهَا وَهِيَ فِي الْأَدْيَارِ تَأْوِيهَا
تَجِدُ مَحَبَّتَهُ بِالْإِحْتِرَامِ أَوْتَ	نُفُوسَهَا وَلَهُ أَبَدَتْ تَصَبِّيَهَا

(الأنطاكي، ۱۹۹۱م: ۷۱۰ و ۷۱۱)

- علی مرتضی (ع) بعد از پیامبر (ص) جایگاهی نزد اهل یقین دارد که در بلندمرتبتگی به حد کمال می‌رسد. انسان عالم، مرتبه علی (ع) را می‌فهمد و عادل در آن انصاف دارد جاهل نسبت به آن غافل و نادان است و کافر آن را پنهان می‌کند. در این مسأله در مذاهب دیگر با مسلک‌های گوناگون، اجماع و اتفاق نظر

وجود دارد. ولی تجلی مرتبه علی(ع) فقط به دینداران و مسلمانان محدود نشد بلکه به دیگران(غیر مسلمانان) هم رسید و آنها متوجه مرتبه و جایگاه ایشان شدند و آن را بسیار به نیکویی ستودند. فلاسفه جحود(مادی گرا) نسبت به مرتبه علی(ع) در شگفت‌اند و تعجب بیش‌تر می‌شود زمانی که آنها به او مفاخرت می‌کنند. با مراجعه به بزرگان مسیحیت و راهبان در کلیساها و دیرها(که ثناگوی آن حضرت‌اند) درمی‌یابی که محبت حضرت، جان‌های آنان را در بر گرفته و عشق او را آشکار ساخته‌اند

### سیره و فضایل امام علی(ع) در نبرد

بی شک، سبک زندگی اولیای خدا در ابعاد فردی و اجتماعی و عرصه‌های گوناگون از جمله سیاست، جنگ و صلح بر موازین الهی استوار است که به اعتقاد علمای بزرگی حتی از مسیحیت، علی بن ابی‌طالب از سردمداران آنان است چراکه به گواهی تاریخ و صاحب‌نظران، زندگی آن حضرت در همه عرصه‌ها، بر مدار قرآن و سیره نبوی بود. نصری سلهب نویسنده مسیحی معاصر در این زمینه و در شأن امیرالمؤمنین(ع) اینگونه می‌نویسد: «شاید بهترین توصیفی را که می‌توانیم برای او داشته باشیم این است که علی(ع) قرآن زنده بود»(رضوانی، ۱۳۸۷: ۷۵۹). در نهج البلاغه، مطالب گوناگون، عمیق و کارآمدی پیرامون جنگ و جهاد آمده و ابعاد مختلف این مسأله، حکیمانه مورد بررسی قرار گرفته است. هرچند پرداختن به تمامی آنها در این مجال نمی‌گنجد اما به تناسب و در حد بضاعت، برخی از آن سخنان گرانسنگ در کنار اشعار عبدالملک انطاکی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### صلح حکیمانه و هوشیاری درباره دشمن

در سبک اسلامی، صلح حکیمانه و مدبرانه که مرضی خدا باشد پسندیده تر از جنگ و خونریزی است. امام علی(ع) در این باره در قسمتی از نامه پنجاه و سه نهج البلاغه به مالک اشتر نخعی می‌فرماید: «هرگز صلحی را که دشمن، تو را به آن دعوت نماید و رضایت خداوند در آن باشد رد مکن زیرا به وسیله صلح است که لشکریانت آسوده

می‌گردند و خود از تشویش و اندوه خاطر راحت می‌شوی و موجب ایمنی بر شهرهایت می‌شود ولی پس از استقرار صلح، از دشمن خود کاملاً بر حذر باش زیرا دشمن چه بسا به نزدیکی می‌گراید و نمایش صلح می‌دهد تا طرف را غافلگیر کند پس جانب احتیاط را بگیر و خوش گمانی را درباره حيله گری‌های دشمن متهم ساز (جعفری، ۱۳۸۴: ۹۲۷).

همچنین آن حضرت در قسمتی از نامه شصت و سوم نهج البلاغه در اهمیت هوشیاری و بیداری در نبرد، این مسأله را به عنوان برادر جنگ یاد کرده و می‌فرماید: «همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است هر آن کس که به خواب رود دشمن او نخواهد خوابید» (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۲۹).

### هدایت و اصلاح، هدف علی (ع) از جنگ

علی بن ابی‌طالب (ع) در پاسخ کسانی که درباره تأخیر ایشان در اجازه شروع جنگ صفین فکر باطلی داشتند در قسمتی از خطبه پنجاه و پنج نهج البلاغه علت این تأخیر را امید داشتن به هدایت افراد فریب خورده بیان کرده و می‌فرماید: «اینکه می‌گویند تأخیر در شروع جنگ ناشی از تردیدی است که درباره اهل شام دارم سوگند به خدا هیچ روزی جنگ را به تأخیر نینداختم مگر به امید اینکه گروهی از مردم فریب خورده به من ملحق و به وسیله من هدایت شوند و با آن بینایی ضعیفی که دارند از روشنایی من بهره مند شوند. این مسأله برای من محبوب‌تر از آن است که آن فریب خوردگان را در ضلالتی که غوطه ورنند نابود سازم اگرچه در سرنوشت و مقصد نهایی با گناهان خود دمساز شوند» (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

جلال‌الدین محمد بلخی در «مثنوی» به زیبایی به این ویژگی حضرت اشاره می‌کند:

من چو تیغم پُر گهرهای وصال      زنده گردانم نه گشته در قتال

(مولوی، ۱۳۷۱: ۱۶۸)

ادیب مسیحی عبدالملیح انطاکی در پرداختن به ویژگی‌های فوق به قسمتی از جنگ خندق اشاره می‌کند که وقتی علی مرتضی (ع) برای نبرد با جنگاور بزرگ عرب، عمرو بن عبدود داوطلب شد، در ابتدا حتی او را که از دشمنان سرسخت مسلمانان بوده

و خوی جنگ و خون ریزی در وی قوت داشت به ایمان به خدا یا برگشتن به خانه و کاشانه و ترک میدان دعوت می‌نماید:

عاهدتَ إلیّ واحدها تلبيها	وقال: ما كنتُ تدعى للثلاث
نيكُ الثلاثِ فإني الان واعيهها	فقال عمرو: أجل فاعرض ع
دع دعوةً ما زلتُ أبيعها	فقال وَّحدَّ وأمن بالرسالة أسلم
نصرَ الرسالة إذ ينهاك هانيها	فقال: فارجع إلى مغناك منتظراً
	أجاب عمرو:
أن أعود إلى الهيجا فأصليها	فقد نذرتُ ببدري إذ هربتُ جريحاً
ونذرتي جئتُ هذا اليوم أوفيها	وأقتل المصطفى في وسط ملته
فابزز لي ووّدع حياة جئتُ تفنيها	فقال حامی حمی الإسلام ويملك

(الانطاکی، ۱۹۹۱: ۱۳۰ و ۱۳۱)

- علی(ع) به عمرو گفت: تو به سه چیز دعوت می‌شوی و همانطور که عهد بسته‌ای یکی را می‌پذیری. عمرو گفت: آن‌ها را برایم بگو. سپس علی مرتضی فرمود: به خدا و پیامبرش ایمان بیاور. عمرو گفت: این دعوت را رها کن که همیشه از آن إبا داشته‌ام. سپس علی(ع) فرمود: به خانه و کاشانه‌ات برگرد و منتظر خبر پیروزی اسلام باش. عمرو جواب داد: هنگامی که در جنگ بدر با زخم و جراحت فرار کردم نذر کردم به جنگ با مسلمانان برگردم و کشتاری به راه اندازم و مصطفی را در میان یارانش بکشم و امروز روز وفا کردن به این نذر است. مدافع و حامی راستین پیامبر اسلام یعنی علی مرتضی فرمود: وای بر تو. با من بجنگ و با زندگی دنیا وداع کن چراکه تو در واقع برای نابودی خودت آمدی

### جهاد امیرالمؤمنین

جهاد در انواع گوناگونش از مسائل مهم و مطرح در جوامع و ادیان مختلف، جهت نیل به اهدافی بلند است. البته درستی و درجه اهمیت این اهداف وابسته به اعتقادات و نیات افراد است و تنها جهاد در راه پروردگار عالم از هر جهت امری مقدس و متعالی است. امام علی(ع) برای پیشبرد اهداف اسلام، در زمان پیامبر(ص) و پس از آن همواره در

عمل به وظیفه جهاد سرآمد بوده و در قسمتی از خطبه بیست و هفت نهج البلاغه درباره ارزش جهاد در راه خدا و نکوهش شدید کسانی که در این مهم کوتاهی می‌کنند می‌فرماید: «همانا جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند خدا لباس خواری و ذلت بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد دلش در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند و به جهت ترک جهاد به خواری محکوم و از عدالت محروم است... به شما گفتم پیش از آنکه آنان هجوم بیاورند با آنان نبرد کنید به خدا سوگند هر ملتی که در خانه خود مورد هجوم قرار گیرد ذلیل خواهد شد... شگفتا! به خدا سوگند این واقعیت، قلب انسان را می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌کند که شامیان (دشمن) در باطل خود وحدت دارند و شما در حقتان متفرق‌اید. زشتی و اندوه بر شما باد... غارت می‌شوید و هجوم نمی‌برید مورد حمله و کشتار قرار می‌گیرید و حمله نمی‌کنید اینگونه معصیت خدا می‌شود و شما رضایت می‌دهید» (دستی، ۱۳۸۶: ۵۱).

علامه محمدتقی جعفری در قسمتی از تفسیر خطبه فوق در تعریف جهاد در اسلام و تفاوت آن با قتال می‌نویسد: «کلمه جهاد در اصطلاح مکتب اسلام اگر مطلق هم به کار برده شود، تکاپو در راه هدف الهی را تا از دست دادن حیات نیز در بر دارد. هدف الهی در تعریف مزبور، تلاش و جانبازی به انگیزگی مال و مقام و اِشباع حس انتقام جویی و دیگر انواع خودخواهی‌ها را کنار می‌زند. ولی قتال و مقاتله، تلاش و گلاویزی در مرز زندگی و مرگ است که اگر با هدف الهی بوده باشد، جهاد نامیده می‌شود» (جعفری، ۱۳۵۹، ج ۵: ۲۶۱).

عبدالمسیح انطاکی نیز در این زمینه علی مرتضی را چونان شمشیری در دستان پیامبر برای جهاد و مبارزه با کفار دانسته و ایشان را عامل گسترش رسالت پیامبر در نقاط مختلف شبه جزیره عربستان (و جهان) معرفی می‌نماید و در توصیف جهاد امیرالمؤمنین اینگونه می‌سراید:

مُحَمَّدٌ وَأَخُو الْإِيمَانِ وَاعِيهَا  
حَابٍ لَقَدْ أَظْهَرَتْ مَعَهُ تَفَانِيهَا

قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ آيَاتِ الْجِهَادِ عَلَيَّ  
وَنَصْرَهُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا بِهِ وَبِأَصْـ

وَإِنْ يَعِدُّ الْوَرَى أَهْلَ الْجِهَادِ فَمَوْ  
قَد كَانَ سَيْفًا بِكَفِّ الْمُصْطَفَى وَبِهِ  
وَكَانَ سَيِّدَ أَرْبَابِ الْجِهَادِ جَمِيعِ  
وَقَدْ أَقْرَّتْ أَعَادِيهِ بِذَا عَلْنَا  
وَ قَدْ رَأَيْنَا مَغَازِي الْمُصْطَفَى وَآمِي  
كَلَّا وَ لَيْسَ لَهَا مِنْ مُنْكَرٍ لِنَحْجَ  
تَاللَّهِ لَوْلَا لَمْ تُعْلَنَ هِدَايَةُ ط  
وَأَصْبَحَتْ مِثْلَ هَذِي الشَّمْسِ سَاطِعَةً  
لَأَنَا أَبُو الْحَسَنِينِ الْبَرِّ سَامِيهَا  
عَدَى النَّبُوَّةِ نَالَتْهَا مَخَازِيهَا  
عَا بَيْنَ سَابِقِيهَا الْمَاضِي وَأَتِيهَا  
وَكَانَ إِخْفَاؤُهُ وَاللَّهِ مُعِيهَا  
رُ الْمُؤْمِنِينَ بِلَا رَيْبٍ مُجْلِيهَا  
هُ بِبَيِّنَةٍ غَرًّا نُؤَدِّيهَا  
هُ فِي الْجَزِيرَةِ قَاصِيهَا وَدَانِيهَا  
وَ كُلُّ ذِي بَصَرٍ فِي النَّاسِ رَائِيهَا

(همان: ۶۸۳-۶۸۲)

- خداوند آیات جهاد را بر محمد نازل کرد و برادر ایمانی او علی، آن را درک نمود و یاری دین و دنیا به وسیله علی و اصحابی بود که نهایت تلاش و کوشش را نشان دادند و اگر مردم، جهادگران را محاسبه کنند مولای ما ابوالحسنین(علی) بلندمرتبه‌ترین آن‌هاست(در رأس آن‌هاست). علی شمشیری در دست مصطفی بود که پیامبر به وسیله او دشمنان نبوت را خوار و ذلیل می‌کرد و او سرور همه انسان‌های جهادگر در گذشته و آینده است و دشمنان او آشکارا به این مسأله اقرار کردند و به خدا سوگند که از پنهان کردن آن ناتوان بوده‌اند. بی شک نبردهای مصطفی و امیرالمؤمنین این مسأله را آشکار می‌کند هرگز کسی این مسأله را انکار نمی‌کند تا با آوردن دلیل محکمی با او بحث کنیم. به خدا سوگند اگر علی نبود هدایت و رسالت پیامبر در نقاط دور و نزدیک شبه جزیره عربستان اعلان نمی‌شد(مجاهده علی در راه خدا) مانند خورشید درخشان بوده و هر انسان بینایی می‌تواند آن را ببیند

### قدرت سیاسی و تدبیر امیرالمؤمنین علی(ع)

از لوازم موفقیت در میادین جنگ و صلح، داشتن تدبیر و قدرت سیاسی کافی است به طوری که برای تحقق اهداف اساسی و کلان نیز ضروری است. علی مرتضی(ع) حتی در زمان سایر خلفا هم از این مهم غافل نبوده و با نگاه حکیمانه، همه ابعاد مسائل را مد

نظر قرار می‌دادند. به طوری که خلیفه دوم بارها و مؤکداً در این زمینه اینگونه اظهار نظر کرده است: لولا علیّ لَهْلَکَ عَمْرَ (ابن قتیبه، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۵۹). این کلام خلیفه دوم به قدری مشهور و متواتر است که علاوه بر کتب متعدد شیعه، دهها نفر از علمای بزرگ اهل تسنن نیز آن را روایت نمودند. همانطور که تمام اعمال، رفتار و گفتار علی(ع) تنها با هدف خشنودی پروردگار بوده، تدبیر و سیاستمداری آن حضرت نیز حتی در مقابل دشمن از این قاعده مستثنی نیست به طوری که در خطبه دویست نهج البلاغه می‌فرمایند: «... اگر زشتی پیمان شکنی نبود، از داهی‌ترین (زیرک‌ترین) مردم بودم ولی برای هر پیمان شکنی گناهی است و هر گناهی موجب تیرگی قلب می‌گردد... به خدا سوگند نه با حيله گری می‌توانند مرا اغفال کنند و نه با سخت‌گیری می‌توانند عاجز نمایند» (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۶۹).

*انطاکی* ضمن اشاره به مصادیق تاریخی و عینی از این ویژگی علی بن ابی‌طالب سیاست ایشان را در چهارچوب انجام احکام الهی و رعایت کامل تقوی دانسته به طوری که برای رسیدن به اهدافشان ذره‌ای در این مهم، تسامح به خرج نمی‌دادند:

لَوْ كَانَ مَا تَرْتَجِيهِ مِنْ مَطَامِعِهَا	مِنَ الْخِلَافَةِ وَالْإِسْلَامِ يُعْطِيهَا
لَمَا تَكَلَّفَ فِي أَيَّامِ أَمْرَتِهِ	حَرْبَ الرَّعَايَا وَلَا تَأْدِيبَ عَاصِيهَا
وَلَا الرَّبِيرُ عَصَا يَوْمًا خِلَافَتَهُ	كَلًّا وَلَا طَلْحَةَ قَدْ رَاحَ أَبِيهَا
كَلًّا وَلَا أُمَّ عَبْدِ اللَّهِ عَائِشَةَ	لَاقَتْ عَلَى الْحَرْبِ أَعْوَانًا تُؤَاتِيهَا
كَلًّا وَلَا عَمْرُوبَ الْعَاصِ جَاهِرَ بَالِ	عِصْيَانٍ يَرْجُو بِهِ مِصْرًا وَيَبْغِيهَا
كَلًّا وَلَا خَرَجَتْ يَوْمًا خَوَارِجَ أَر	ضِ النَّهْرَوَانِ عَلَيْهِ فِي تَعْصِيهَا
وَمَا حَرُوبُ عَلِيٍّ فِي خِلَافَتِهِ	قَدْ يَسْتَحِيلُ وَلَا يُرْجَى تَلَافِيهَا
بِمَائِعَارِضِ أَحْكَامِ الشَّرِيعَةِ جَهْ	رَا فِي أَوَامِرِهَا أَوْ فِي نَوَاهِيهَا
حَتَّى أَخُوهُ عَقِيلٌ كَانَ جَابِهُهُ	لَمَّا آتَاهُ بِاطْمَاعٍ يُؤَخِّيَهَا

(همان: ۶۹۰ و ۶۹۱)

- اگر علی آنچه را که طمعکاران از خلافت امید داشتند به آن‌ها می‌داد در زمان فرمانروایی خود با برخورد (بعضی) مردم و ادب کردن سرکشان به سختی و رنج نمی‌افتاد و زبیر و طلحه اقدام به مخالفت با فرمانروایی او نمی‌کردند و عائشه و

یارانش هرگز به جنگ با او بر نمی‌خاستند و عمروعاص هرگز به امید حکومت مصر به سرکشی و مخالفت بر نمی‌خاست و خوارج نهروان هرگز در نافرمانی او بر ضدش خروج نمی‌کردند. اگر علی(ع) در احکام پروردگار نسبت به مردم تسامح می‌کرد و آرزوهای آنان را عملی می‌کرد جنگ‌های زمان خلافت او در نمی‌گرفت و دشمنان در صدد انتقام بر نمی‌آمدند و در اینکه در بایدها و نبایدهای دین(اوامر و نواهی دین) خلاف احکام دین و شریعت رفتار کند. حتی برادرش عقیل را هنگامی که برای درخواست طمعکارانه‌ای نزد او آمده بود رد می‌کند

### دوستداران و دشمنان امیرالمؤمنین علی(ع)

یکی از راه‌های اصلی شناخت شخصیت و منش افراد، بررسی اوضاع دوستداران و دشمنان آن‌هاست. امام علی(ع) در حکمت چهل و پنج نهج البلاغه ضمن اشاره به حدیث نبوی، دوستان و دشمنان واقعی خود را اینگونه معرفی می‌نمایند: «اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که دشمن من شود، با من دشمنی نخواهد کرد و اگر تمام دنیا را به منافق ببخشم تا مرا دوست بدارد دوست من نخواهد شد و این بدان جهت است که قضای الهی جاری شد و بر زبان پیامبر امی(ص) گذشت که فرمود: "ای علی! مؤمن تو را دشمن نگیرد و منافق تو را دوست نخواهد داشت" (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۵۱).

احادیث فوق در واقع، راه صحیح شناختن افراد مؤمن و منافق را به همگان معرفی می‌نمایند.

عبدالملک انطاکی با اشاره به همین روایات، در بیان جایگاه رفیع امام علی(ع) در این زمینه اینگونه می‌سراید:

رَوَتْ رُؤَاةً اَحَادِيثَ الرَّسُولِ بِتَح	قَيِّقٍ حَدِيثًا صَحِيحًا فِي اَمَالِيهَا
قَالَ: لَقَدْ قَالَ طَه فِي الْوَصِيِّ مَقَالَةً	صَدَاهَا دَوَى فِي اُذُنِ وَاَعْيِيهَا
يُحِبُّكَ الْمُؤْمِنُ التَّاقِي وَيُبْغِضُكَ ال	مُنَافِقُ الْمُظْهَرُ الْاِيْمَانُ تَمُوِيهَا
وَ قَدْ رَوَتْ بَعْدَ هَذَا عَنْ صَحَابَتِهِ	مَقَالَةً سَمِعْتَهَا مِنْ مُفَاهِيهَا
قَالَ: وَكُنَّا عَلٰى عَهْدِ الرَّسُولِ وَاَه	لُ الشَّرْكِ تَنْطِقُ بِالْاِيْمَانِ مِنْ فِيهَا
بِبُغْضِهِ الْمَرْتَضَى صِبْهِ الرِّسَالَةِ نَع	رِفُ الْمُنَافِقِ مَهْمَا رَاحَ يُخْفِيهَا

وَقَالَ حَيْدِرَةٌ وَالنَّاسُ مَا سَلِمَتْ  
 لَوْ أَنَّ وَجْهَ أَخِي الْإِيمَانِ أَضْرَبُهُ  
 وَلَوْ صَبَبْتُ عَلَى هَامِ الْمَنَافِقِ دُونَ  
 هَذِي مَوَاطِيقُ رَبِّي كَانَ أَحْذَهَا  
 مِنَ النَّفَاقِ وَلَمْ يَجْهَلْ خَوَافِيهَا  
 بِالسَّيْفِ مَا بُغِضْتِي قَدْ كَانَ رَاضِيهَا  
 يَا هُؤُلَاءِ لِحُبِّي أَبَاهُ وَهُوَ بَاغِيهَا  
 مِنَ الْخَلَائِقِ لِي فَضْلًا وَمُعْطِيهَا

(همان: ۷۱۲)

- راویان احادیث پیامبر(ص) با تحقیق و بررسی حدیثی را روایت کردند. آن‌ها گفتند: پیامبر(ص) در مورد وصی خود(علی) مطلبی را فرموده است که انعکاس صدایش در گوش شنونده آن شنیده می‌شود: "مؤمن پرهیزگار تو را دوست می‌دارد و منافق که اظهار به ایمان می‌کند و (بی دینی) را مخفی می‌کند تو را دشمن می‌دارد." بعد از آن از صحابه پیامبر(ص) مطلبی روایت شد که از دهان گوینده آن شنیده شد(و آن اینکه) گفت: ما در زمان پیامبر(ص) بودیم و مشرکان با زبانشان دم از ایمان می‌زدند. ما منافق را که نفاق خود را پنهان می‌کرد با کینه و دشمنی علی مرتضی، داماد نبوت و رسالت می‌شناسیم. و حیدر فرمود: "مردم از نفاق در امان نیستند در حالی که نسبت به خطراتش آگاهی دارند. اگر با شمشیر به صورت برادر مؤمنم بزنم کینه و دشمنی مرا بر نمی‌گزیند و اگر دنیا را به پای منافق گمراه بریزم از دوستی و محبت من ابا می‌کند(چراکه او طالب دنیا است). این پیمان‌ها را پروردگرم از روی فضل و کرم برایم از خلاق گرفته و او عطا کننده این فضائل است"

### قدرت جسمی و جنگاوری امیرالمؤمنین علی(ع)

توانایی جسمی، مهارت رزمی و جنگاوری از شاخصه‌های مهم و مؤثر در نبرد است. از آنجا که روان‌شناسان و انسان‌شناسان به تأثیر فراوان توانی‌های جسمی و روحی بر یکدیگر تأکید دارند، بنابراین ارتباط تنگاتنگ توانی‌های جسمی و نظامی با قدرت روحی و ایمانی غیر قابل انکار است به طوری که منابع اسلامی از توان مقابله هر فرد مؤمن با حداقل ده فرد مشرک و بیش‌تر خبر می‌دهد. با وجود قدرت بالای جسمی و رزمی علی بن ابی‌طالب توجه به این معنا لازم است که جنگاوری و شجاعت آن حضرت در میادین

نبرد از قاعده فوق مستثنی نیست. *ابن ابی الحدید*، شارح نهج البلاغه در این باره به حدیث شریفی از پیامبر اعظم (ص) اشاره می‌نماید: «کانت ضرباته وترا» ضربات علی واحد و یگانه است (دومی ندارد) (ابن ابی الحدید، ج ۱: ۱۹).

*عبدالملک انطاکی*، با استفاده از صنعت ادبی اقتباس و اشاره به حدیث نبوی فوق، مسأله قدرت جسمی و جنگاوری آن حضرت را ضرب المثل‌هایی بین مردم دانسته و این ویژگی بی نظیر ایشان را اینگونه به نظم می‌کشد:

لَمْ تَعْهَدِ النَّاسُ أَقْوَى مِنْ أَبِي حَسَنِ	إِنْ تَذَكَّرِ الْأَقْوِيَا يَوْمًا وَتُحْصِيهَا
وَقَدْ تَفَرَّدَ فِي مَفْتُولِ سَاعِدِهِ	بِقُوَّةٍ لَيْسَ مِنْ مَرَّةٍ يُقَاوِيهَا
حَتَّى بِقُوَّتِهِ الْأَمْثَالُ تُضْرَبُ بَيْنَ	النَّاسِ رَاوِيَةً شَتَّى مَا تِيهَا
وَحَسْبُنَا الْمُصْطَفَى قَدْ قَالَ ضَرْبَتُهُ	وَتَرَّ فَلَمْ يَكُ فِي الْأَعْدَاءِ يُثْنِيهَا
وَبَابُ خَيْبَرَ فِي إِبَانِ غَزْوَتِهَا	قَدْ رَاحَ رَافِعُهُ مِنْ دُونِ أَهْلِهَا

(همان: ۶۷۹-۶۸۱)

- اگر روزی افراد قدرتمند را ذکر کنی و بشماری (خواهی دید) که مردم با کسی قدرتمندتر از ابوالحسن علی (ع) پیمان نبستند. او در ستبری و قدرت بازو یگانه بود و کسی توانایی (مقابله) و مقاومت در برابر او را نداشت. تا جایی که به قدرتمندی او ضرب المثل‌هایی با روایت‌های مختلف بین مردم زده می‌شود. و این سخن مصطفی برای ما کافی است که فرمود: ضربات علی واحد است و در مبارزه با دشمن ضربه دومی را نمی‌زد. در جنگ خیبر به تنهایی اقدام به بلند کردن درب خیبر نمود و در مقابله با دشمنان که اسلحه از دستش افتاد درب خیبر را سپر قرار داد

### شجاعت امیرالمؤمنین علی (ع)

بی شک شجاعت و جنگاوری *امام علی (ع)* نیز که زبانزد خاص و عام و دوست و دشمن است از هدایتگری ایشان حکایت دارد. آنجا که حضرتش شمشیر از نیام برمی‌کشد نیز بر اساس اصلاح و هدایت انسان و با نیت الهی است. دلایل فراوانی بر این مدعا وجود دارد که پرداختن به آن مجال مناسب و پژوهشی مستقل می‌طلبد. توجه به کلام *امام علی (ع)* در قسمتی از نامه چهل و پنج نهج البلاغه گویای شجاعت بی مثال آن

حضرت است: «به خدا سوگند اگر اعراب در نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند از آن روی برنتابم و اگر فرصت داشته باشم به پیکار همه آنان می‌شتابم و تلاش می‌کنم که زمین را از این شخص مسخ شده و این جسم کج اندیش، پاک سازم تا گل و کلوخ از میان دانه‌ها جدا گردد» (دستی، ۱۳۸۶: ۳۹۵).

*انطاکی* در توصیف شجاعت *امام علی (ع)*، واقعه کشته شدن شجاع‌ترین جنگجوی عرب، عمرو بن عبدود، به دست حضرت را به اجمال بیان داشته و اشاره می‌کند که خواهر عمرو بن عبدود در حال اشک ریختن بر این واقعه (با غرور و افتخار) می‌گوید که او به دستان با کفایت علی بن ابی‌طالب کشته شد و به این مسأله مباهات می‌ورزد.

لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ لِلْغَارَاتِ مِنْ رَجُلٍ	كَالْمَرْتَضَى يُكْبِتُ الْأَعْدَاءَ يُنْكِيهَا
تَخَشَى الْأُلُوفَ لِقَاءَهُ وَهُوَ مُنْفَرِدٌ	لَهَا وَمَا كَانَ إِذْ تَلَقَاهُ خَاشِيَهَا
وَذَى مَوَاقِفُهُ فِي الْحَرْبِ ذَائِعَةٌ	يَرُوى حَوَادِثُهَا بِالْعَجَبِ رَاوِيهَا
وَكَمْ تَصَدَّى وَحِيداً لِلْعِدَى فَكَفَى	الْإِسْلَامَ وَالْدِّينَ وَالْدُّنْيَا تَعَدِّيَهَا
مَا فَرَّ يَوْماً إِذَا نَارُ الْوَعَى اسْتَعْرَتْ	بَلْ كَانَ وَاللَّهِ قَبْلَ النَّاسِ صَالِيَهَا

(الأنطاکی، ۱۹۹۱م: ۶۷۷ و ۶۸۰)

- خداوند در هیچ سرزمینی مردی مانند علی (ع) نیافرید که اینگونه دشمنان را خوار کرده و شکست دهد. هزاران نفر که (در جنگ) با او مواجه می‌شدند می‌ترسیدند در حالی که او یک نفر در مقابل آنها بوده و از رویارویی با آنها نمی‌ترسید. علی (ع) در میادین جنگ، جایگاه و صحنه‌های معروفی دارد که راوی، حوادث و وقایع آن را با شگفتی بیان می‌کند. چه بسیار که به تنهایی و یک تنه به دشمن یورش برده و نبردهای او، اسلام و دین و دنیا را کفایت کرد. اگر روزی آتش جنگ برافروخته می‌شد هرگز نمی‌گریخت بلکه به خدا سوگند قبل از دیگران یورش می‌برد

## رعایت اصول اخلاقی و الهی در جنگ

### الف. عدم آغازگری در جنگ و آسیب نرساندن به افراد ضعیف و بی دفاع

در نامه چهاردهم نهج البلاغه، امام علی(ع) در جنگ صفین قبل از روبرویی با دشمن خطاب به لشکریانش می‌فرماید: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آن‌ها شروع کنند زیرا بحمدالله حجت با شماست و آغازگر جنگ نبودنتان، تا آنکه دشمن به جنگ روی آورد حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به إذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید و آن که را قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید زنان را با اذیت و آزار تحریک نکنید هرچند به شما یا امیرانتان دشنام دهند که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم‌توان‌اند» (دشتی، ۱۳۸۶: ۳۵۳). همچنین امام علی(ع) در همین زمینه در حکمت ۲۳۳ نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن می‌فرماید: «کسی را به پیکار دعوت نکن اما اگر تو را به نبرد خواندند، بپذیر زیرا آغازگر پیکار، تجاوزکار است و تجاوزکار شکست خورده است» (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۸۵).

### ب. رعایت عهد و پیمان با طرف مقابل

در قسمتی از نامه پنجاه و سه نهج البلاغه، هنگامی که امام علی(ع)، مالک اشتر نخعی را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند به وی می‌نویسد: «اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید یا در پناه خود او را امان دادی به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانتدار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان» (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۱۹) زیرا عموم مردم در هیچ یک از واجبات الهی - با آن همه پراکندگی که در خواسته‌ها و نظرات خود دارند - مانند بزرگداشت وفای به معاهده‌ها اتفاق نظر ندارند (جعفری، ۱۳۸۴: ۹۲۹).

### ج. نیایش در آستانه جنگ

امام علی(ع) در هنگام تصمیم به جنگ با شامیان در صفین پس از ذکر صفاتی از پروردگار و ثنای او دست به دعا برمی‌دارد که این موضوع در قسمتی از خطبه ۱۷۱ نهج البلاغه اینگونه آمده است: «خداوندا، اگر ما را بر دشمنان پیروز ساختی ما را از ظلم و

تعدی برکنار فرما و برای پیروی از حق موفق فرما و اگر آنان را بر ما غالب فرمودی شهادت را نصیب ما فرما و از فتنه و آشوب ما را محفوظ فرما» (جعفری، ۱۳۸۴: ۵۰۷).

### د. پرهیز از دشنام به خصم و سعی در دعا برای دشمن

در خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه آمده است هنگامی که امام علی (ع) شنیده بود که گروهی از یارانش، اهل شام را در روزهای جنگ صفین دشنام می‌دادند در تقبیح این عمل و ارشاد آنان اینگونه می‌فرماید: «من ناراحت می‌شوم از اینکه شما مردمی ناسزاگو باشید ولی اگر شما کردارهای آنان را توصیف کنید و حالاتشان را به یاد بیاورید، در سخن گفتن راه راست را انتخاب می‌کنید و برای معذور شدن شما کاری رساتر و صحیح‌تر را انجام می‌دهید. به جای ناسزاگفتن، با خدا چنین نیایش کنید: خداوندا، خون‌های ما و خون‌های آنان را از ریخته شدن حفظ فرما و بین ما و آنان را اصلاح فرما و آنان را از گمراهی که در آن غوطه‌ور شده‌اند به راه راست هدایت فرما تا بشناسد حق و حقیقت را کسی که به آن نادان است و برگردد از گمراهی و تجاوز، کسی که میل و اشتیاق به آن دارد» (همان: ۶۷۸ و ۶۷۹).

### هـ. بردباری و گذشت مدبرانه هنگام غلبه بر دشمن

بردباری و گذشت، به ویژه هنگام قدرت و غلبه بر دشمن، فضیلتی والا و یکی از سجایای اخلاقی امام اول شیعیان است. همانطور که شجاعت و جنگاوری امام علی (ع) با هدف هدایت و اصلاح بشریت بوده، بردباری و گذشت آن حضرت از جمله در هنگام توانگری و پیروزی بر دشمن نیز در همین راستا و برای هدایت و رشد انسان است. از آنجا که هر نعمتی را سپاس و زکاتی هست، آن حضرت در قسمتی از حکمت دویست و یازده نهج البلاغه، عفو و بخشش دشمن شکست خورده را به عنوان شکرانه و زکات نعمت پیروزی معرفی می‌نماید که البته واضح است که عفو دشمن شکست خورده باید به دور از سهل انگاری و ساده لوحی و بر اساس قواعد خاص خود باشد. این مهم در حکمت یازدهم نهج البلاغه نیز مورد تأکید قرار گرفته و می‌فرماید: «اگر بر دشمن دست یافتی (و غالب گشتی) بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده» (دستی، ۱۳۸۶: ۴۴۵).

طبق نظر علامه محمدتقی جعفری، اغماض زیبا، بخششی است که شخص، قدرت بر انتقام داشته باشد و بدون منت و بدون اینکه گذشت و عفو موجب طغیانگری شود شخص خطاکار را ببخشد چنین عفو و چشم پوشی از خطاها و انحرافات نوعی تعلیم و تربیت سازنده را در بر دارد که علاوه بر تطابق با منطق و قواعد زندگی انسانی، ذوق و شهود و احساس زیباجویی آدمی را نیز تحریک می‌کند (مؤمن نژاد، ۱۳۹۷: ۲۰۴).

عبدالملک انطاکی در اشعاری نیکو نمونه‌هایی از فضایل فوق، درباره امام علی (ع) را مورد بررسی قرار داده و به مواردی از جمله چشم پوشی و گذشت آن حضرت از دشمن پس از شکست آنان و نیز به رحم و بردباری ایشان نسبت به ضارب خویش (ابن ملجم مرادی) به اجمال می‌پردازد. این ادیب مسیحی، حلم و بردباری علی (ع) را مافوق فهم و درک ما دانسته و قائل به وجود رحمت الهی در جان و شخصیت آن حضرت است:

أَلْحَمُّ فَضْلٌ إِذَا مَا الْأَقْوِيَاءُ بِهِ	لَا قِتَ وَقَدْ قَدِرْتَ عَفْوًا أَعَادِيهَا
وَمَا عَرَفْنَا حَلِيمًا كَالْوَصِيِّ إِذَا	دَانَتْ عِدَاةُ لَهُ قَهْرًا يُدَارِيهَا
فَكَانَ أَحْلَمَ خَلَقِ اللَّهِ أَجْمَعِهَا	عَلَى اقْتِدَارٍ صَفُوحًا عَنِ مُسِيئِيهَا
وَحَلِمُهُ لَمْ يَكُنْ عَجْزًا وَلَا هُوَ عَنِ	ضَعْفٍ وَقَوْتُهُ مَا مَنِ يُقَاوِيهَا
وَقَدْ رَأَيْنَاهُ يَعْفُو عَنِ إِسَاءَةِ مَرٍ	وَأَنِ وَقَدْ بَلَّغْتَ أَسْوَأَ مَرَامِيهَا
وَبَاتَ فِي يَدِهِ مِنْ بَعْدِ نُصْرَتِهِ	فِي وَقْعَةِ الْجَمَلِ الْمَلْعُونِ مُلْظِيهَا
لَكِنَّمَا الْمَرْتَضَى مَا كَانَ مُنْتَقِمًا	مِنْهُ فَأَرْسَلَهُ فِي الْأَرْضِ يَطْوِيهَا
ذَا رَحْمَةً مِنْ رَحِيمِ نَفْسُهُ عَلِيَّتِ	عَنِ الْخَلَائِقِ أَنْسِيهَا وَجَنِّيهَا

(الأنطاکی، ۱۹۹۱م: ۶۸۳-۶۸۸)

- حلم و بردباری زمانی فضیلت است که افراد قدرتمند در حال غلبه بر دشمنانشان با بردباری آن‌ها را ببخشند. و ما انسان بردباری مانند وصی پیامبر نمی‌شناسیم که موقعی که دشمنانش با او دشمنی می‌کنند با آن‌ها مدارا می‌کند. او بردبارترین همه بندگان خدا بود، در اینکه با وجود قدرت و توانایی از بدکاران درمی‌گذرد. حلم و بردباری او از روی عجز و ضعف نبود کسی بر قدرت و نیرومندی او چیره نمی‌شد و ما در تاریخ دیده‌ایم که او از گناه مروان که بدترین افراد بود می‌گذرد در حالی که بعد از پیروزی علی در جنگ جمل، مروان در

دست او بود. جنگ جملی که خود آن ملعون آن را بر پا کرد ولی علی مرتضی در صدد انتقام جویی از او بر نیامد و او را رها ساخت. روح او دارای رحمتی از خداوند رحیم است که از همه جن و انس برتر و والاتر است

### نتیجه بحث

شناخت لایه‌های آشکار و پنهان شخصیت الهی/امام علی(ع) و انتشار انوار قدسی هدایت آن حضرت، در مکتب، ملت، زمان و مکان خاصی متوقف نمی‌ماند بلکه پیوسته در طول تاریخ بشریت، راهنمایی برای انسان سرگشته جویای حقیقت و سعادت است و گذر زمان و پیشرفت علوم و تکامل عقول بشری، به تدریج پرده‌های بیش‌تری از این حقیقت بر خواهد داشت. در این پژوهش با بررسی کلام علی بن ابی‌طالب و اشعار ادیب مسیحی عبدالملیح انطاکی، در حد بضاعت به گوشه‌ای از فضائل آن حضرت در موضوع جنگ پرداخته شد. از این بررسی موجد به دست می‌آید که معرفت، عقیده و ارادت به حضرت علی(ع) و خاندان طاهرینش در انحصار مسلمانان نیست بلکه شخصیت جامع الأطراف آن حضرت به گونه‌ای است که علمای سایر ادیان و آزاداندیشان هر قوم را در جذب الهی خویش قرار می‌دهد چراکه او حق است و حق جویی فطری هر انسانی. همچنین می‌توان دریافت که این اثر انطاکی علاوه بر عشق و ارادت به امام علی(ع)، دارای زاویه‌ای تاریخی-روایی نیز هست که از منابع تاریخی و احادیث پیامبر اکرم و ائمه معصومین(ع) حاصل شده و در اشعار وی انعکاس یافته است. شعر روان، موسیقی دلکش و واژه‌هایی بی تکلف با مفاهیم ارزشی از ویژگی‌های شعری اوست. در واقع عبدالملیح انطاکی با تحیر و اظهار عشق و ارادت فراوان نسبت به علی بن ابی‌طالب(ع)، علاوه بر بیان دیدگاه‌های خود، به روایت، تأکید و تبیین وقایع تاریخی و گفتار و سیره عملی آن حضرت در این موضوع می‌پردازد.

این پژوهش نشان می‌دهد که علی بن ابی‌طالب(ع) در عین اینکه جنگاوری الهی و مجاهدی فی سبیل الله و بی همتا در همه ابعاد بوده اما این ویژگی‌های حضرت نیز بر اساس سبک اسلامی و مزین به چهارچوب و موازین الهی در جنگ است که در آیات قرآن و سیره نبوی آمده و با کنکاش در قسمت‌هایی از نهج البلاغه و اشعار عبدالملیح

*انطاکی* برخی از آن‌ها به شرح زیر مشهود است: ۱- اخلاص در نیت و عمل (داشتن نیت خشنودی و قرب پروردگار) ۲- هدف، اصلاح، هدایت و تعالی انسان است. ۳- دعوت به ایمان و سعی در هدایت طرف مقابل قبل از جنگ ۴- ارائه راهکارهایی غیر از جنگ (در صورت امکان و وجود شرایط لازمه) ۵- سعی بر اینکه شروع کننده جنگ نباشند (البته با درایت) ۶- مناجات با پروردگار در آستانه نبرد ۷- درایت و تدبیر ۸- توجه و نگاه حکیمانه به همه ابعاد جنگ و صلح ۹- اطاعت درست از فرماندهی ۱۰- دوری از ناسزاگویی به دشمن ۱۱- دعا برای دشمن ۱۲- آسیب نرساندن به افراد ضعیف و ناتوان از جمله کودکان، زنان و پیران ۱۳- گذشت حکیمانه هنگام غلبه بر دشمن ۱۴- پرهیز از ظلم و تعدی هنگام غلبه بر دشمن ۱۵- پای‌بندی به عهد و پیمان با دشمن.

از منظر اسلام حقیقی، ماهیت جهاد فی سبیل الله، معامله‌ای والا و خاص با پروردگار انسان است و این معامله‌ای است که خداوند از آن بی نیاز است. سبیل الله، مسیر رشد آدمی است و جهاد فی سبیل الله نیز قرار گرفتن و قراردادن انسان‌ها در مسیر کمال و رشد است. سیره و کلام *امام علی (ع)* و شعر *انطاکی* حاکی از آن است که *علی بن ابی طالب (ع)* در عین داشتن تمام فضائل عالیه اخلاقی، عالی‌ترین اصول جنگ را پیاده می‌نماید و تمامی ابعاد نظامی آن حضرت نیز حتی آنجا که دست به قبضه شمشیر برده و تیغ از نیام برمی‌کشد با هدف اصلاح و هدایت انسان و در راستای انجام فرمان الهی و فقط با نیت خشنودی پروردگار است و نه بر اساس اهداف دنیوی، مادی و نفسانی که در بسیاری از جنگ‌های تاریخ بشر معمول بوده است. بررسی این منابع این حقیقت را آشکار می‌سازد که جنگ‌های *علی (ع)*، رویارویی نور و ظلمت، عقل و جهل، حق و باطل، انسانیت و حیوانیت، فضایل و رذایل اخلاقی است. این مسائل حاکی از شخصیت الهی و جامعیت اضداد در آن حضرت است چراکه حتی به اذعان صاحب‌نظرانی غیر مسلمان، همه مراحل و مقامات جنگی ایشان، همراه با اخلاص کامل و حکیمانه در جهت تعالی و رشد انسان در تمامی ابعاد بوده و از علل اساسی در پیشبرد اهداف اسلام حتی در زمان حاکمیت سایر خلفا است آنچنان که طبق منابع روایی اهل تسنن، خلیفه دوم همواره تأکید داشته که «اگر علی نبود عمر هلاک می‌گشت». پژوهش و معرفی اشعار غیر مسلمانان در مدح پیشوایان مسلمین، اقدامی شایسته در مسیر آگاهی بخشی، ایجاد

بصیرت و جهل زدایی است. امیدواریم که پژوهشگران متعهد، با تکمیل و خلق این گونه آثار، گامی در جهت ترویج حق و شناساندن آثار فاخر علمی و ادبی برداشته و برگ زرینی از معرفت پیشکش بشریت نمایند.

## کتابنامه

### قرآن کریم

نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. ۱۳۷۹ش، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابولفضل ابراهیم، ج ۱، تهران: کتاب آوند دانش.

ابن قتیبه، عبدالسلام ابن مسلم. ۱۴۰۶ق، تأویل مختلف الحديث، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.

امیل بدیع، یعقوب. ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م، معجم الشعراء منذ بدء عصر النهضة، ج ۲، بیروت: دار صادر.

امینی، عبدالحسین. ۱۳۷۲ش، الغدير، ج ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

الانطاکی، عبدالملک. ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م، ملحمة الامام علی (علیه السلام) أو القصيدة العلوية المباركة، بیروت: منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

تفتازانی، سعدالدین. ۱۴۰۹ق، شرح المقاصد، ج ۵، بی جا: منشورات الشریف الرضی.

جعفری، محمدتقی. ۱۳۵۹ش، تفسیر نهج البلاغه، ج ۵ و ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

زرکلی، خیرالدین. ۱۹۸۴م، الاعلام قاموس تراجم الأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین تشرین ثانی، ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین.

الکیالی، سامی. ۱۹۶۸م، الأدب العربی المعاصر فی سوریه (۱۸۵۰-۱۹۵۰)، القاهرة: دار المعارف بمصر.

مجلسی، محمدباقر. ۱۹۸۳م، بحار الأنوار، ج ۳۹، بیروت: مؤسسة الوفاء.

مرعشی، حسین. ۱۳۸۱ش، حماسه عید الغدير سروده شاعر مسیحی بولس سلامه، تهران: منیر.

مسلم بن حجاج نیشابوری. ۱۳۳۴ش، صحیح مسلم، ج ۱، استانبول: دار الطباعة العامرة.

مولوی، جلال الدین محمد بلخی. ۱۳۷۱ش، مثنوی معنوی، مطابق تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: نگاه، نشر علم.

## مقالات

مؤمن نژاد، ابوالحسن و عباس یوسفی تازه کندی و مرتضی سازجینی. ۱۳۹۷ش، «زیبایی معقول از منظر قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، ش ۳۵، صص ۱۸۵-

## **Bibliography**

The Holy Quran.

Nahj Al-Balaghah. Translated by Mohammad Dashti.

Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid Ibn Hiba Allah. 2000, Sharh Nahj al-Balaghah, researched by Mohammad Abolfazl Ibrahim, vol. 1, Tehran: Avand Danesh.

Ibn Qutaybah, Abdul Salam Ibn Muslim. 1406 AH, various interpretations of hadith, vol. 1, Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiya.

Emil Badie, Yaghub. 1425 AH / 2004 AD, Dictionary of Poets from the Age of Al-Nehzat, Volume 2, Beirut: Dar Sader.

Amini, Abdul Hussein 1993, Al-Ghadir, vol. 3, Tehran: Islamic Books House.

Al-Antaki, Abdul Masih. 1411 AH / 1991 AD, Maltahame Al-Emam Ali Aw Al-Ghaside Al-Alawiya Al-Mobaraka, Beirut: Publications of the Scientific Foundation for Press.

Taftazani, Saad al-Din 1409 AH, Sharh Al-Maqassid, vol. 5, no place: Al-Sharif Al-Razi Publications. Jafari, Mohammad Taqi 1980, Tafsir Nahj al-Balaghah, vols. 5 and 6, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.

Zarkoli, Kheiraddin, 1984, Al-Alam Ghamus Tarajem Al-Ashhar Al-Rajal Valnesa Men Al-Arab Valmostarebin Valmostashreghin Tashrin Sani, vol. 4, Beirut: Dar Al-Alam Lelmalaein.

Al-Kayali, Sami. 1968, Contemporary Arabic Literature in Syria (1850-1950), Cairo: Dar al-Ma'arif in Egypt.

Majlisi, Mohammad Baqir 1983, Behar Al-Anwar, vol. 39, Beirut: Al-Wafa Foundation.

Marashi, Hussein 2002, Eid al-Ghadir epic composed by the Christian poet Bols Salameh, Tehran: Munir.

Muslim Ibn Hajjaj Neyshabouri. 1955, Sahih Muslim, vol. 1, Istanbul: Dar Al-Taba'a Al-Amra.

Movlavi, Jalaluddin Mohammad Balkhi 1992, Masnavi Manavi, edited by Reynold Nicholson, Tehran: Negah, Alam Publishing.

## Articles

Mo'men Nejad, Abolhassan and Abbas Yousefi Tazeh Kennedy and Morteza Sajjini. 2018, "Reasonable beauty from the perspective of the Holy Quran", Quarterly Journal of Quranic Studies, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Vol. 35, pp. 185-208.

**Alavi's biography in the war regarding Nahj al-Balaghah and the poem of  
Abd al-Masih al-Antaki**

Date of Received: January 1, 2019

Date of Acceptance: March 31, 2020

**Nematullah Hassani**

Ph.D in Arabic Language and Literature, researcher and university lecturer.  
ne.hasani22@gmail.com

**Abstract**

The personality of Imam Ali (as) is so high that its description has gone beyond the scope of the Shiite religion and has made great scholars from other schools and religions to wonder and bow. Among them is Abd al-Masih Antaki, a contemporary Christian writer and poet with a poem in five thousand six hundred verses. This research investigates and reveals the biography and opinion of Imam Hammam and the views of this Christian writer in some important dimensions and examples of war and jihad, including courage, warfare, prudence, vigilance, wise peace and observance of divine principles by exploring the Nahj al-Balaghah and the poems of Abd al-Masih Antaki. According to the Qur'an, since the path of God is the path of human growth, jihad for the sake of God is to place human beings on the path of perfection and growth. Unlike other wars, which are often aimed at the material interests of certain individuals or groups, in the Alavi style or true Islam, the ultimate intention and goal in war is only the pleasure of God.

**Keywords:** Imam Ali (AS), Nahj al-Balaghah, Abdul Masih Antaki, Malhamah Imam Ali (AS), War.